

## ملت ایران بداند! کودتا گران بخوانند!

### خسرو سیف

يك روايت تازه از يك راوي زنده

قرار بود در 26 مرداد ماه يك جشن ورزشي در محل حزب ملت ايران بر بنيادپان ايرانيسم واقع در ميدان بهارستان ابتدای خيابان صفي عليشاه برگزار شود که نزديک ظهر آن روز مورد حمله عده اي ظاهرا وابسته به حزب توده با چوب و چماق و سنگ و پاره آجر که بوسيله يك ماشين آورده شدند روبرو شد

این عمل با مقاومت چند نفری که در محل ساختمان حضور داشتند قرار گرفت بهر حال قرار گاه حزب را بصورت نیمه مخروبه در آورند ما به محض اطلاع سریع خود را به محل رساندیم.

دبیر حزب داریوش فروهر هم جلوتر از همه در آنجا حاضر شده بود افراد حزبی همه عصبانی از وضع پیش آمده آمادگی خود را برای پاسخگویی به این گستاخی اعلام کردند البته باید یاد آور شوم حمله به نقاط دیگر و تخریب و آتش سوزی در گوشه کنار شهر و شعار نویسی ضد سلطنت بر روی در و دیوار بوسيله عوامل حزب توده انجام و این خود باعث هراس و وحشت بین مردم می شد و این خود خواست کودتا گران بوده چه بستر را جهت اهداف شیطنانی آنها آماده می کرد، حزب تصمیم گرفت علی رغم وضع بوجود آمده جشن ورزشي را برگزار نماید لذا هموندان مأمور آماده نمودن محل برای اجرای برنامه شدند تا ابتدا وسایل ورزشي را تهیه کنند که با کمک گرفتن از باشگاه هاي ورزشي آن دوران انجام پذیرفت و همه چیزی برای برگزاری جشن در شب 28 مرداد ماه آماده شد.

در آن شب افراد زیادی در محل حزب ملت ایران حضور داشتند از جمله رضا مجید و سرگرد خسروانی مدیر باشگاه تاج با لباس ارتشی که تا حدودی تعجب انگیز بود که هر دو از صحنه گردانان روزهاي بعد بودند جالب اینکه سر گرد خسروانی می گفت دستور داده ام تابلوهای باشگاه تاج را پایین آورده و تابلوهاي با نام کلوب مصدق نصب نمایند که واقعا تابلوها آماده شده بود ولي کودتا فرصت نصب آنها نداد.

**حال باید به عمل این کودتا توجه نمود که آقای رضا مجید و سرگرد خسروانی که از عوامل کودتا بی اطلاع از همه چیز در شب کودتا در این محل پایگاه مصدقی ها حضور پیدا کرده اند؟ و از خود باید پرسید این چه کودتایی بود که عوامل آن در شب کودتا از آن بی خبر بودند؟**

بهر حال جشن شروع شد اولین سخنران کریمپور شیرازی مدیر روزنامه شورش بوده و بعد از آن همرمزم داریوش فروهر دبیر حزب به سخنرانی پرداخت با توجه به عصبانیت از حمله روز گذشته گفت ما ضمن حمایت همه جانبه از نهضت ملی ایران و رهبر اندیشمند آن دکتر مصدق اجازه نخواهیم داد جوجه بلشو يك ها که سر در آستان کرملین دارند و در تمام طول مبارزات ضد استعماري و ضد استبدادي ملت ایران با اخلاص و همسویی با دول استعماري سد راه مبارزان بوده اند به اعمال ناشایست و جنایتبار خود ادامه بدهند .

پس از انجام مراسم حدودا ساعت 11 شب 27 مرداد بود که محل حزب را ترك نمودم در مسیر حضور مأمورین زیادی که در شهر دیده می شد حاکی از اوضاع غیر عادی بود .

روز بعد یعنی 28 مرداد از ساعت 10 صبح تظاهراتی در گوشه و کنار شهر بوسيله اوباش شروع شد که سازمان دهی و رهبری آن با برادران رشیدیان و سید مصطفی کاشانی پسر آیت الله کاشانی ، اردشیر زاهدی ، سید جعفر بهبهانی و افراد دیگری چون شمس قنات آبادی، حسن عرب مدیر روزنامه پرچم خاورمیانه ، طیب حاج رضانی، محمود مسگر، حسین رمضان یخی، ملکه اعتضادی مهدی میر اشرافی، مهدی پیراسته و زنهایی محله بدنام، افسران بازنشسته و سربازان و ... در این پروژه شرکت فعال داشتند البته شعبان جعفری هم پس از آزادی به این جماعت پیوست و محل های مختلف از جمله دفتر روزنامه باختر امروز و قرار گاه حزب ملت ایران و دفاتر حزب ایران و نیروی سوم و ..... مورد یورش کودتاگران که تماما از اوباش هاي محله هاي شهر بودند قرار گرفت و کاملا تخریب شد.

در حزب ملت ایران داریوش فروهر و چند نفری که حضور داشتند به مقابله پرداختند که منجر به مجروح شدن آنها شد که آنها برای مداوا به بیمارستان نجمیه انتقال داده شدند.

داریوش فروهر پس از مداوای اولیه به منزل دکتر مصدق رفت و سپس به جلسه ای که در فرمانداری نظامی تشکیل شده بود شرکت نموده و بعد از آن بود که کودتاگران ادارات مختلف دولتی را با اندک مقاومتی تصرف نمودند، داریوش فروهر پس از خروج از فرماندار نظامی مخفی گردید و اداره و رادیو نیز به تصرف اوپاش شهر تهران در آمد و خبر پیروزی کودتا بوسیله ملکه اعتضادی و مهدی میر اشرافی از رادیو اعلام شد.

من در آن زمان جوانی شانزده ساله بودم با علاقه تمام بسوی منزل دکتر مصدق در خیابان کاخ کشیده شدم خیابان کاخ بوسیله گارد محافظ با کامیون ها بصورت چپ اندر قیچی محاصره شده بود با این ترتیب ماشین ها وسیله دیگری قادر به عبور از آن خیابان نبود در این جا لازم است از فرمانده آن نیرو ها سرهنگ ممتاز (روانشاد) که با کمک سروان داور پناه (روانشاد) و سروان فشارکی (مهران) که شجاعانه تا آخرین لحظه از مأموریت خود که دفاع از رهبر نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق بود دفاع نمودند یاد نمایم و به آنها درود بفرستم.

پس از خیابان کاخ به سوی خیابان نادری و اسلامبول رفتم در خیابان اسلامبول دکتر منشی زاده رهبر حزب سومکا که از زندان آزاد شده بود بر روی یک بلندی قرار گرفت تا برای مردمی که حضور داشتند سخنرانی نماید صحبت خود را با حمایت از دکتر مصدق شروع و در همان لحظه با مشاهده عده ای که شعار بنفع کودتا چیان و شاه پرستان میدادند با یک چرخش 180 درجه ای بنفع کودتاگران ادامه داد.

پس از این بسوی چهار راه سیمتری و خیابان شاه رفتم و در آنجا با افسردگی تمام نظاره گر وضع خیابانها بودم که ارتشی ها سوار بر ماشین های ارتشی با در دست داشتن وسایل غارت شده منزل دکتر مصدق بر علیه ایشان شعار میدادند و در طرف دیگر خیابان سی متری زنهایی محله بدنام بصورت زنده ای سوار بر ماشینهای دولتی با شعار جاوید شاه در حال عبور بودند مردم همه با بهت و حیرت نظاره گر وضع پیش آمده بودند.

من و جوانهای هم سن و سالم از اینکه چیزی را که هرگز فکر نمی کردیم آنهم شکست نهضت ملی یعنی نهضت استقلال طلبانه مردمی چه می توانستیم بکنیم با اندوه فراوان بطرف منزل رفتم آن شب با افسردگی تمام گذراندم و از اینکه کاری نمی توانستم انجام دهم سخت ناراحت بودم تا آنکه از حزب اطلاع داده شد که فعلا از منزل خارج نشوم چه عده ای اوپاش به سرپرستی شعبان بی مخ به محلات مختلف شهر در تردد می باشند و جوانها را شکار می نمایند و در اختیار فرماندار نظامی قرار می دهند، چند ماهی شهر جولانگاه این چاقوکشان بود که هر کاری می خواستند و می توانستند انجام دادند

.....

پس از کودتا مدتی فعالیت ما بصورت مخفی ادامه پیدا کرد و روزنامه آرمان ملت در آن زمان بصورت مخفی با مطالب گوناگون بر علیه کودتاگران منتشر میگردید و سازمان حزب بصورت شبکه های مخفی در محله های گوناگون در خیابان و پارک یا منازل تشکیل می شد که البته ادامه فعالیت بر علیه رژیم کودتا در نهضت مقاومت ملی ادامه پیدا کرد و در این جا باید از شادروان شیخ باقرنهادی از علاقمندان نهضت ملی ایران یاد کنم که تعدادی از جلسات حزب در منزل ایشان تشکیل می شد.

وقوع وقایع بیست و پنجم تا بیست و هشتم مرداد ماه که به کودتای 28 مرداد در تاریخ ما ثبت شده ناشی از عوامل متعددی بود مردم که طعم استقلال و خود باوری را تازه میچشیدند مغرور و سر مست مزه میوه تازه رس بودند و قدر آزادیهای دموکراتیک آن دوران را نمی دانستند از دیگر سو جماعت نخبگان خسته از هیا هو های عوامل نادان و خود فروخته در حال کشاکش با کسانی بودند که با ارائه تحلیلهای غلط سعی در باز کردن پای بیگانه چپ به ایران را داشتند و رقباتی راستگرایشان با دمیدن در این بوق به بزرگنمایی این نادانی ها میپرداختند اتحاد شوم نیروهای سنت گرا و بیگانه گرا شکل گرفته بود و با حمایت ضلع سوم یعنی نیروی بیگانه مثلثی شوم پدیدار شد که منتج به بر چیده شدن دولت مصدق گردید.

مصدق چون به آرمانهایش معتقد بود و قدرت را به هر بهائی نمی خواست و از برادر کشتی واهمه داشت لب فرو بست و از انجام تحرکات نظامی یا شبه نظامی گسترده در روزهای قبل یا هنگام کودتا ممانعت کرد و خود را قربانی آرمانهای آن کرد.

شاد روان دکتر غلامحسین صدیقی همراه با دیگر یاران نهضت در هنگام آتشباری کودتا چنان در منزل مصدق بود با خود میگفت بد شد! بد شد!

مصدق گفت چه چیز بد شد دو ابر قدرت برای شکست ما به میدان آمده اند پس بنشین و آرام باش!  
نکته بدیهی مهم دیگر آن است که در زمینه این کودتا و چگونگی شکل گرفتن آن اینست که مطالب زیادی از سوی دست اندرکاران انگلیسی و آمریکایی آن کودتا به رشته تحریر درآمده که جای هیچ گونه تردیدی در این امر نمی گذارد حال چگونه عده ای از وابستگان به رژیم سابق آنرا قیام ملی ذکر می کنند جای تعجب فراوان دارد با مراجعه مجدد به اسامی بالا و دیگر اسامی میتوان فهمید که این قیام کنندگان ملی! از چه کسانی تشکیل شده بودند شرم این عمل تا ابد با این افراد و اعقاب و اعوانشان همراه است و با هوچی گری و هیاهو در داخل و خارج این ننگ پاک نخواهد شد همین کودتا چنان دیروز با همان نیروهای بیگانه دیروز بر آند تا امروز استقلال میهن را در معرض خطر قرار دهند.  
آموزه مهمی که از واقعه 28 مرداد میتوان گرفت آن است که بیگانه پرست خودباخته به همراه یار سنت گرایش در پناه دشمن خارجی میتواند باز هم لعنت آفرینی کند پس حفظ استقلال میهن از مهم ترین اولویتهاست.